فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۱۳-۱۴۲

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۵

سلفی‌گرایی جهادی- تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه

مسلم کرم زادی[۱]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام‌نور، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۲/۰۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

سلفی‌گرایی در ابتدا به صورت جریان فکری- مذهبی به شیوه‌ای انتقادی در بین جامعه اهل سنت ظاهر شد، اما به تدریج رنگ سیاسی به خود گرفت و منازعات فکری و عقیدتی موجب اختلاف میان آنها شد. در این میان، سلفی‌گرایی جهادی-تکفیری در نتیجه مسائلی مانند حملهٔ شوروی به افغانستان (۱۹۷۹م) و حمله آمریکا به عراق (۱۹۹۱ و ۲۰۰۳م) و افغانستان (۲۰۰۱م) جنبهٔ نظامی و خشونت‌آمیزی گرفت و در دو دهه اخیر فعالیت‌های آن بیشتر شده است. پس از خیزش‌های مردمی در جهان عرب (از سال ۲۰۱۰م) و بی‌ثباتی و هرج و مرج و خلأ قدرت ناشی از آن، این گروه‌ها با اعمال خشونت شدید و رفتارهای غیر انسانی قدرت و گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده و در مناطقی، حکومت اسلامی به سبک خود را تأسیس کردند. افزایش توان و دامنهٔ فعالیت این گروه‌ها ثبات سیاسی منطقه و جهان را متأثر کرده است. سؤال اصلی این است که گروه‌های افراط‌گرای تکفیری که برداشت خشن، متصلب و نادرستی از اسلام دارند، چه تأثیراتی بر ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه دارند؟ فرضیه ما این است که گسترش افراط‌گرایی تکفیری اسلامی و قدرت‌یابی آنها، ثبات سیاسی منطقه را به خطر انداخته و در صورت تداوم، بی‌ثباتی‌های بیشتر و گسترده‌تری مانند جنگ بین کشورها، جنگ‌های قومی و مذهبی، افزایش بی‌سابقه قربانیان اقدامات تروریستی و جدایی‌طلبی‌های سرزمینی را در پی دارد. روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی - تبیینی است..

واژه‌های کلیدی: افراط‌گرایی مذهبی، بنیادگرایی، ثبات سیاسی، سلفی- جهادی.

1.mkaramzadi@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مقدمه

تا قبل از خیزش‌های مردمی جهان عرب از سال ۲۰۱۰م، افغانستان، پاکستان، عراق و نیجریه کشورهای اسلامی بودند که شاهد بی‌ثباتی‌های سیاسی عمده ناشی از فعالیت گسترده افراط‌گرایان تکفیری[1] بودند. در اثر تحولات موسوم به بهار عربی (بیداری اسلامی) و تضعیف قدرت‌های حاکم یا وقوع انقلاب در این کشورها، اسلام‌گرایان افراطی که قرائت نادرستی از اسلام و تعالیم آن دارند، قدرت قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده‌اند و در خلأ قدرت پدیدآمده به خطر مهمی برای امنیت منطقه و حتی جهان تبدیل شده‌اند. هم‌اکنون عراق، سوریه، یمن، لیبی، ترکیه، تونس، لبنان و مصر درگیر جنگ یا بی‌ثباتی‌های سیاسی شدید ناشی از فعالیت تکفیری‌ها شده‌اند. قدرت فراوان افراط‌گرایان تکفیری سنی مذهب، ثبات منطقه خاورمیانه را به خطر انداخته و تهدید تروریسم و افراط‌گرایی بیش از هر زمان دیگری است. گروه‌های اسلامی افراط‌گرا در اثر خلأ قدرت پدیدآمده توانسته‌اند تشکیلات قوی در منطقه ایجاد کنند و برخی مانند القاعده شاخه یمن و لیبی، گروه النصره (القاعده شاخه سوریه)، دولت اسلامی سینا (شاخه داعش در مصر) و داعش (دولت اسلامی در عراق و شام) به شکل بی سابقه‌ای قدرتمند شده‌اند، به گونه‌ای که گروه داعش اعلام خلافت جهانی کرد و مسلمانان جهان را ملزم به تبعیت از خود دانست. این گروه‌ها، جوامع منطقه خاورمیانه را به مبارزه طلبیده‌اند و ضربات مرگباری نیز بر آنها وارد کرده‌اند. براساس گزارش شاخص جهانی تروریسم (سال ۲۰۱٤م)، پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت‌های تروریستی متحمل شده‌اند، کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه هستند که افراط‌گرایان تکفیری در آنها فعالیت کرده‌اند. همچنین، مرگبارترین حملات تروریستی سراسر جهان در سال ۲۰۱۳م، مربوط به فعالیت‌های تروریستی افراط‌گرایان اسلامی بوده که ناشی از بمب‌گذاری، بمب‌گذاری انتحاری و حمله مسلحانه بوده است. این حملات عموماً در منطقه خاورمیانه صورت گرفته است (Global Terrorism Index 2014: 12).

در این مقاله، تأثیر گسترش افراط‌گرایی اسلامی خشونت‌طلب (گروه‌های سلفی- تکفیری) بر ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش این است که گروه‌های افراطی اسلامی که برداشت خشن و متصلبی

۱. از افراط‌گرایان اسلامی با نام‌های جهادی، جهادی- سلفی، سلفی‌گرای تکفیری، تکفیری و بنیادگرا نیز یاد می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

از اسلام دارند، چه تأثیراتی بر ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه دارند؟ فرضیه ما این است که گسترش افراط‌گرایی اسلامی- تکفیری و قدرت‌یابی افراط‌گرایان، ثبات سیاسی منطقه را به خطر انداخته و در صورت تداوم، بی‌ثباتی‌های سیاسی بیشتر و گسترده‌تری مانند جنگ بین کشورها، جنگ‌های قومی و مذهبی، افزایش بی‌سابقه قربانیان اقدامات تروریستی و جدایی‌طلبی‌های سرزمینی را در پی دارد که این مسائل نیز به نوبه خود بی‌ثباتی‌های بیشتری را پدید می‌آورد. برای مثال، حمله داعش به مناطق کردنشین اقلیم خودمختار کردستان عراق و اقداماتی که در این مناطق و مناطق کردنشین ترکیه انجام داد، یکی از عوامل اصلی از بین رفتن آتش‌بس میان دولت ترکیه و کردهای این کشور بود که در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦م منجر به کشته شدن صدها نفر شد و ثبات سیاسی این کشور را مختل کرد. به طور کلی، تداوم افراط‌گرایی دینی و افراط‌گرایی مبتنی بر اقدامات خشونت‌آمیز در منطقه، نه تنها تهدیدی برای منطقه خاورمیانه، بلکه برای همه کشورهای جهان است. به گونه‌ای که گروه داعش که در سایه بی‌ثباتی‌های اخیر منطقه بسیار قدرتمند شده در یک روز (٦ تیر ۱۳۹٤)، در سه قارهٔ آسیا (کویت)، آفریقا (تونس) و اروپا (فرانسه) عملیات تروریستی انجام داد. در این مقاله با روش توصیفی - تبیینی به بررسی افراط‌گرایی اسلامی و چگونگی قدرت‌یابی آن پرداخته و تأثیر آن بر ثبات سیاسی منطقه خاورمیانه مورد سنجش قرار می‌گیرد. باید خاطرنشان کرد هدف ما بررسی تحولات و وقایع جهان عرب نیست و فقط در مواردی برای تأیید مطلب مواردی از بی‌ثباتی‌های آن بیان می‌شود.

افراط‌گرایی دینی و سلفی‌گرایی-تکفیری

افراط‌گرایی[1] مفهوم مبهمی است که معانی ذیل را دارد: ۱. داشتن ایده‌ای سیاسی تا نهایت ممکن، بدون توجه به پیامدهای «تأسف بار»، عملی نبودن، استدلال‌ها و احساسات مخالف، با هدف مقابله با مخالفان و حذف آنها. ۲. عدم تحمل دیدگاه‌های دیگران نسبت به نظر خود. ۳. به‌کارگیری وسایلی برای تحقق اهداف سیاسی بدون توجه به استانداردهای رفتاری پذیرفته‌شده که نشانگر عدم توجه به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران باشد (Scru-ton,2007: 237). در افراط‌گرایی دینی، معتقدان به یک تفکر خاص، اعتقادات و رفتار دیگران را نادرست و انحراف از دین می‌دانند و در مواردی با ابزار دینی تکفیر، آنها را ملحد یا مشرک

1. Extremism

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اعلام می‌کنند و آنها را سزاوار مجازات می‌دانند. برای مثال، افراط‌گرایان تکفیری وهابی، شیعیان را به دلیل زیارت قبور پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مشرک می‌دانند. سپاه صحابه در پاکستان، شیعیان را به دلیل عزاداری‌های ماه محرم واجب‌القتل می‌دانند. همچنین، افراط‌گرایان دینی طرفداران اصلاح و نوگرایی را بدعت‌گذار و مهدورالدم می‌دانندو تحمل اختلاف‌های جزئی با همفکران خود را ندارند. آنگونه که افراط‌گرایان تکفیری داعش و جبهه النصره در سوریه که هر دو از شاخه‌های القاعده بوده‌اند به شدت و با خشونت زیاد همدیگر را قلع و قمع می‌کنند.

در سال ۲۰۱۲م، جمعیت مسلمانان حدود ۱,۵ میلیارد نفر بوده است که حدود یک پنجم جمعیت جهان است. از نظر جغرافیایی، اسلام مرکز جهان را در برگرفته و همانند کمربند بزرگی در سراسر جهان از شرق به غرب، از مراکش تا میندانائو[1] امتداد پیدا کرده است (Bowering, 2013: introduction) مسلمانان جهان در اعتقادات مذهبی و جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی با هم تفاوت‌های زیادی دارند. اعراب حدود ۲۰ درصد مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند، اما تفسیر اسلام از چشم‌انداز آنها صورت می‌گیرد. در واقع، بخش اعظم گفتمان در مورد مسائل مسلمانان و نارضایتی آنها براساس مسائل اعراب و نارضایتی آنها شکل می‌گیرد. به دلایلی که بیش از آنکه مربوط به مذهب باشد، ناشی از سیر توسعه تاریخی و فرهنگی است. جهان عرب نسبت به دیگر مناطقی که در حال‌توسعه نامیده می‌شوند، نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشتری دارد (Rabasa et al,2004:36). همین مسئله موجب پدید آمدن جریانات مختلف اسلامی از بنیادگرایی تا افراط‌گرایی برای مقابله با مشکلات جامعه بوده است. در واقع، افراط‌گرایی اسلامی امروزی، ریشه در بنیادگرایی دینی دارد. اما اصطلاح «بنیادگرایی» اولین بار برای توصیف جریان محافظه‌کار اعتراضی به کار رفت که در حدود سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۵ میلادی در آمریکا توسعه یافت (Emerson and Hartman, 2006: 131). در واقع، بنیادگرایی به دو صورت محدود و وسیع تعریف شده است. تعریف محدود بنیادگرایی نشانه‌های آن را در ریشه‌های مسیحی آن در اوایل قرن بیستم پیدا می‌کند. جورج مارسدن[2] آن را اعتراض ستیزه‌جویانهٔ ضدمدرن پروتستان‌های اوانجلیک تعریف می‌کند. معنای موسع بنیادگرایی به دنبال گسترش دامنه این اصطلاح برای

۱. Mindanao، جزیره‌ای بزرگ در جنوب فیلیپین.

2. Marsden, 1980

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

شمول گروه‌های دینی و غیردینی است که ویژگی‌ها و شیوه عمل مشابهی دارند. جفری هادن و آنسون شوپ[1]، تعریف مفیدی در مورد مفهوم وسیع‌تر بنیادگرایی ارائه داده‌اند. به اعتقاد آنها بنیادگرایی «اعلام بازیابی اقتدار سنت‌های مقدسی است که باید به عنوان پادزهر برای جامعه‌ای به کار رود که از تکیه‌گاه‌های فرهنگی‌اش دور شده است» (Kurian 2011: 642). بنابراین، بنیادگرایی اسلامی پدیدهٔ دینی منحصر به فردی نیست و شباهت‌های زیادی با جنبش اعتراضی آمریکایی دارد. شباهت‌هایی مانند رد مدرنیته و سکولاریسم و انتقاد از هم‌مسلک‌هایی که «فاسدکنندگان سنت» و «آلت‌دست کافران» نامیده می‌شوند. افراط‌گرایی اسلامی که از دل بنیادگرایی اسلامی بیرون آمده اشکال دموکراتیک و سکولار دولت را که توسط غربی‌ها به کار گرفته شده‌اند را رد می‌کند. این مخالفت‌ها به وسیله ایدئولوگ‌های جنبش بر مبنای مفهوم «یگانگی خداوند» (توحید) بیان شده است. آنها معتقد به حاکمیت انحصاری قوانین الهی به عنوان تنها شکل مشروع حکومت بوده و حاکمیت دولت‌ها را قبول ندارند. اما بنیادگرایی مذهبی مسیحی، جنبش حاشیه‌ای غیرخشونت‌آمیزی باقی مانده و در تعداد محدودی از کشورها فعالیت می‌کند و مانند همتای اسلامی خود ماهیت فراکشوری ندارد. افراط‌گرایی اسلامی از دهه ۱۹۷۰م گسترش قابل توجهی داشته و مجموعه متنوعی از شاخه‌های خشن جهانی داشته است که مهم‌ترین آنها القاعده و جنبش‌های وابسته به آن هستند (Al Raffie, 2013:69).

از لحاظ ایدئولوژیک، افراط‌گرایی‌اسلامی مساوی با شکل اسلامی ایدئولوژی محافظه‌کاری سنتی افراطی در جوامع اسلامی است. در این مدل عناصر اساسی محافظه‌کاری سنتی غربی نیز وجود دارد؛ مسائلی مانند این اعتقاد که انسان‌ها بد شده‌اند و جامعه فاسد شده است، دعوت برای بازگشت به گذشته بهترِ از بین رفته و سنت‌های عالی، مخالفت با تغییرات اجتماعی، تمرکز بر اصول اخلاقی، شیطانی نشان دادن دشمنان و سیاست‌های افراطی. به علاوه، تمایل به ترکیب بین کلیسا و دولت و حکومت مردمان نیک در مسیحیت در افراط‌گرایی اسلامی نیز وجود دارد که باید توسط علما (قضات اسلامی، مفسران قرآن یا روحانیون اسلامی) صورت گیرد. همان‌گونه که اولیویر روی گفته است: اسلام‌گرایان خصوصیات مشابه زیادی با بنیادگرایان مسیحی غربی دارند (Roy,1994:5-6). شاید اولین و مهم‌ترین آن این باشد که آنها از تغییر واهمه دارند (Brian R. Farmer,2005:36). این شیوه مواجهه با مسائل کنونی جامعه

1. Jeffrey Hadden,Anson Shupe, 1989

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مسلمانان، بنیادگرایی یا برگشت به شیوه و روش سلف صالح نامیده می‌شود. جریان سلفی که اغلب به عنوان وهابیت شناخته می‌شود، جامعه متنوعی است. اما همه آنها در رویکرد خشک مقدس به دین برای اجتناب از بدعت در مذهب با تقلید از الگوی حکومت [حضرت] محمد [ص] اشتراک دارند. این جامعه به اندازه‌ای وسیع است که چهره‌های مختلفی مانند اسامه بن‌لادن و مفتی سعودی را دربرمی‌گیرد. افراد و گروه‌های درون این جامعه مواضع متنوعی در مورد موضوعات مهمی مانند جهاد، ارتداد و اولویت‌ها دارند. در بسیاری از موارد، محققان ادعا می‌کنند که رهبران سلفی چنان مواضع فقهی مخالفی دارند که این سؤال را پیش می‌آورد که «آیا می‌توان آنها را در یک سنت مذهبی مشابه جای داد؟» (Wiktorowicz, 2006: 208). افراط‌گرایان تکفیری اسلامی که آنها نیز بر بنیادگرایی تأکید دارند به تکفیر دیگر مسلمانان پرداخته و با رد قواعد جهاد تدافعی بر جهاد و کشتار دشمنان تأکید می‌کنند. افراط‌گرایان، مدعی فهم تعالیم ناب دینی با مراجعهٔ مستقیم به متون و منابع اصلی (قرآن و سنت) و بدون نیاز به علمای دینی هستند. بنابراین، اندیشه‌های این افراد فاقد تئوری است، یعنی مراجعه به نص بدون تئوری. بدین معنا که هر حکمی که در نص هست، باید به همان شکل اجرا شود، احتیاج به تأویل و تفسیر و توضیح ندارد، عقلانیت در آن وجود ندارد. مثلاً تفکر سنتی اهل سنت جهاد را می‌پذیرفت، اما می‌گفت باید حاکم دستور جهاد دهد. اما تکفیری‌های می‌گویند انسان مسلمان خودش باید جهاد را انجام دهد. بنابراین، دیگر جهاد از کمند حاکم خلاص شده است (فیرحی، ۱۳۹۲). به همین دلیل، افراط‌گرایان به سادگی براساس ظاهر آیات قرآن و بدون تفسیر عالمان دینی حکم جهاد می‌دهند و مسلمانانی را که مانند آنها نمی‌اندیشند کافر یا مشرک قلمداد می‌کنند.

سلفی‌گرایان افراطی برای توجیه دینی خود، نشان‌دادن سابقه‌های تاریخی، تفسیر رادیکال از عدالت و الگو گرفتن برای جهاد ضد دولت‌های مسلمان و غرب از اقتدار گذشته بهره‌برداری می‌کنند ([حضرت] محمد [ص]، قرآن و تاریخ اسلامی)، ولی به جنگ و تروریسم مشروعیت می‌بخشند و انتحار خود را مساوی با شهادت می‌دانند (Esposito,2002)، در حالی‌که سلفی‌های جهادی بخشی کوچک از جنبش گسترده‌تر سلفی هستند. برنارد هیکل معتقد است: سلفی‌ها اصلاح‌گران مذهبی و اجتماعی هستند که به دنبال برگشت به اعتقادات و رفتارهای اصلی و صحیح سه نسل اولیه مسلمانان هستند. پایبند درک خاصی از توحید یا وحدت خدا هستند، مخالف شرک‌اند، قرآن و سنت را تنها منبع معتبر قانون و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اقتدار می‌دانند، دشمن نوآوری یا بدعت‌اند که اغلب مربوط به شیوه‌های فرهنگی غیراسلامی هستند که مسلمانان مجبور به انطباق با آنها هستند (Alterman,2014: 11). باید خاطرنشان کرد در حالی که گروه‌های خشونت‌طلب در خط سلفی‌گرایی معاصر قرار دارند، اما جریان مرسوم‌تر و مهم‌تر، سلفیه‌الدعویه[1] است (Abdo, 2015: 8). اکثر سلفی‌ها معتقدند باید از حاکمان اسلامی، حتی حاکمان اقتدارگرا تبعیت کرد و به طور سنتی مخالف جهاد بر ضد حکومت‌های عرب هستند، زیرا اعتقاد دارند که شورش برای امت یا جامعه مسلمانان زیان‌آور است. از این‌رو، باید گفت که اکثر اسلام‌گرایان جهادگرا نیستند، همانگونه که اکثر سلفی‌ها جهادگرا نیستند. در جهان بزرگ اسلام سیاسی، افراط‌گرایان اقلیت مجزایی هستند که بیش از اندازهٔ خود تأثیرگذارند. این گروه‌ها در راه رسیدن به اهداف خود از ابزارهای مختلف از جمله اعلام جهاد و جهادگرایی استفاده می‌کنند. البته باید گفت که افراط‌گرایی و طرفداری از خشونت به نام دین در تاریخ متداول بوده است. این مسائل پدیده‌های جدید یا منحصر به دین اسلام نیستند (Loza, 2007: 142).

جهادگرایی افراط‌گرایان تکفیری در اینکه در اصل ابزاری برای رسیدن به هدف است و خود هدف نیست، بسیار شبیه به تروریسم است و به طور عموم، مانند آن در تلاش برای پیشبرد تغییرات سیاسی مهم به کار می‌رود (Sedgwick, 2015: 39). زیرا تروریسم استفاده از خشونت علیه غیرنظامیان است و توسط کنشگران غیردولتی با هدف دستیابی به برخی نتایج سیاسی صورت می‌گیرد (Ishiyama, Breuning, 2011: 117). در مورد افراط‌گرایان اسلامی این نتایج سیاسی ممکن است، ساقط کردن رژیم محلی یا آزادسازی قلمرو از دست خارجی‌ها، حاکمان غیرمسلمان، یا حتی ضربه‌زدن به قدرت جهانی آمریکا باشد. این تغییرات سیاسی عموماً به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر جهت استقرار زندگی خوب است که اغلب، اما نه ضرورتاً در ادبیات سلفی از معانی اسلامی استنباط می‌شود.

ثبات سیاسی

ثبات سیاسی مفهومی پیچیده است که تاکنون اجماعی بر سر تعریف آن و تعیین مصادیق و ویژگی‌های آن شکل نگرفته است. این ابهام و پیچیدگی، ناشی از داشتن حالت نسبی ثبات است و از یک نظام سیاسی به نظام دیگر متفاوت است. به عنوان مثال ممکن است کشته

۱. Salafiyya al dawwiyya یا سلفی‌های دعوت‌گرا

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

شدن صدها نفر در یک کشور در حال جنگ و درگیری، رویداد بی‌ثبات کننده و حادی تلقی نشود، ولی در یک کشور آرام و امن کشته شدن یک نفر در اثر یک اقدام تروریستی رویدادی وحشتناک و بی‌ثبات کننده باشد. از این لحاظ، مفهوم «ثبات سیاسی» نمونهٔ عالی ابهام و سردرگمی مطالعات علوم سیاسی موجود در ارتباط با تکوین مفهومی، عملیاتی‌سازی و بررسی است. مفهوم ثبات سیاسی معانی متفاوتی را شامل می‌شود که محققان مختلف تلاش کرده‌اند برای اندازه‌گیری درجه یا میزان «ثبات سیاسی» موجود در دنیای خاص خودشان بسنجند (Hurwitz, 1973: 449). برای مثال، ثبات سیاسی از نظر آکه به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است (Ake ،1974). ایان لاستیک، ثبات سیاسی را قابل پیش‌بینی بودن رفتار سیاسی در آیندهٔ نزدیک می‌داند (Lustick 1979). با این حال، در مجموع باید گفت ثبات سیاسی هم دربردارنده ثبات نظام سیاسی است که مربوط به تداوم و پایایی نظام سیاسی و نبود تهدیدات جدی نسبت به بقای آن می‌باشد و هم به صورت نداشتن خصوصیات خاصی مانند خشونت سیاسی، کودتا، جنگ، مخالفت‌های سیاسی گسترده و به صورت کلی «ناآرامی‌های سیاسی- اجتماعی» است. همچنین، ثبات سیاسی شامل امنیت روانی و نبود تهدید علیه اتباع یک کشور است (موثقی، کرم‌زادی، ۱۳۹۰).

دلایل گسترش افراط‌گرایی در منطقه خاورمیانه

تعریف دقیق محدوده خاورمیانه آسان نیست و دامنه شمول آن براساس دیدگاه‌ها و اهداف متفاوت متغیر است. برای مثال، در حالی که منابع کمی منطقه آسیای‌مرکزی و قفقاز را در زمره خاورمیانه می‌دانند، برخی مانند دیوید سدن در فرهنگ جامع سیاسی و اقتصادی خاورمیانه، کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای‌مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان) و جمهوری ترک شمال قبرس را در زمرهٔ این منطقه به شمار آورده است. (David Seddon, 2004: preface) برخی دیگر مانند میلتون ادورادز تعریف بسیار محدودتری دارند و حتی ترکیه، افغانستان، پاکستان و سودان را در زمره منطقه به حساب نمی‌آورند (میلتون ادورادز، ۱۳۸۲: ۱۸). به دلیل اهداف این مقاله، ما تعریف دانشنامه بریتانیکا از منطقه خاورمیانه را که بر فرهنگ و دین مشترک تأکید بیشتری دارد، در نظر می‌گیریم. تا نیمه قرن ۲۰ میلادی تعریف متداول از خاورمیانه دربردارنده دولت‌ها یا سرزمین‌های ترکیه، قبرس، سوریه، لبنان،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

عراق، ایران، رژیم صهیونیستی، کرانه غربی، نوار غزه، اردن، مصر، سودان، لیبی و دولت‌ها و قلمروهای متنوع عربی (عربستان‌صعودی، کویت، یمن، عمان، بحرین، قطر و شیخ‌نشین عمان [اکنون امارات‌متحده‌عربی]) بود. اتفاقات بعدی، موجب کاهش استفاده از این اصطلاح و گسترش تعداد سرزمین‌های خاورمیانه شد. سه دولت شمال آفریقا (تونس، الجزایر و مراکش) به دلیل ارتباطات نزدیک در فرهنگ و سیاست خارجی با دولت‌های عربی در زمرهٔ منطقه به حساب می‌آیند. به علاوه، عوامل جغرافیایی باعث می‌شود افغانستان و پاکستان را مرتبط با مسائل خاورمیانه در نظر بگیرند (Britanica.com, 18/7/2015).

به طور کلی عواملی که موجب ظهور اسلام رادیکال شده‌اند را می‌توان در سه دسته کلی دید: ۱. شرایط: که ویژگی‌های دائمی یا شبه‌دائمی هستند (برای مثال، شکست مدل‌های سیاسی و اقتصادی، ضدیت ساختاری با غرب‌گرایی، مرکزیت‌زدایی از اقتدار مذهبی در اسلام سنی). ۲. فرایندها: تحولاتی هستند که در طی زمان زیادی به وقوع پیوسته‌اند که می‌توانند نتایج خاص یا تعادل پایدار داشته باشد (برای مثال، تجدید حیات اسلامی، عربی‌سازی جهان مسلمان غیرعرب، کمک مالی خارجی از بنیادگرایی اسلامی و افراط‌گرایی، همگرایی اسلامی و قبیله‌گرایی، رشد شبکه‌های رادیکال اسلامی، ظهور رسانه‌های همگانی، منازعه فلسطین– اسرائیل و کشمیر). ۳. کاتالیزورها: تکامل‌های عمده‌ای هستند – جنگ‌ها یا انقلاب‌ها – که پویایی سیاسی در منطقه یا کشورها را به شیوه‌ای اساسی تغییر داده‌اند (برای مثال، انقلاب ایران، جنگ افغانستان، جنگ ۱۹۹۱ خلیج‌فارس، ۱۱ سپتامبر و جنگ جهانی علیه تروریسم، جنگ عراق) (Rabasa et al,2004:36-37). از جمله کاتالیزورهای جدیدتر برای گسترش افراط‌گرایی اسلامی می‌توان به انقلاب و جنگ و بی‌ثباتی‌های ناشی از خیزش عربی اشاره کرد (مانند انقلاب در لیبی، یمن و جنگ داخلی در سوریه).

با این حال، بیشتر محققان معتقدند که شروع بنیادگرایی اسلامی ستیزه‌جو به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. در واقع، مداخلهٔ نظامی شوروی در افغانستان، در سال ۱۹۷۹ از طرف آمریکا، فرصتی عالی برای تحمیل شکست بر اتحاد جماهیر شوروی مشابه شکستی که خود در ویتنام متحمل شده بود، دیده شد. این امر با کمک مالی عربستان و همکاری پاکستان که پشتیبانی لجستیک، پناهگاه امن و مراکز آموزشی و کمک به جنگ‌جویان مقاومت افغان را فراهم می‌کرد، عملی شد. اسلام‌گرایان تندرو آشنا به جنگ از خاورمیانه و دیگر مناطق مسلمان‌نشین، برای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مشارکت در جهاد به طرق مختلف به سوی افغانستان سرازیر شدند. بسیاری از آنها در میدان نبرد آموزش نظامی و عقیدتی پیدا کردند. در عین‌حال که سنی‌ها جنگجو می‌شدند، آمریکا، عربستان و پاکستان آنها را وزنه تعادلی در برابر شهرت و محبوبیت انقلاب شیعی می‌دیدند. جالب است که در میان جریان‌های مقاومت افغان‌ها، آمریکا پشتیبان رادیکال‌ترین اسلام‌گرایان، گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی شد (Chaliand and Blin, 2007: 221-222). در این میان، باید به القای آموزه‌های وهابی توسط عربستان و با چراغ سبز آمریکا در پاکستان و افغانستان در دهه ۱۹۸۰م اشاره کرد که بذر افراط‌گرایی اسلامی را در خود داشته و به منطقه خاورمیانه حتی سراسر جهان سرایت پیدا کرده است. در جنگ با شوروی مسلمانان مناطق مختلف دور هم جمع شدند و تجربه‌ای از همکاری و وحدت اسلامی کسب کردند و در نتیجه، شروعی برای فعالیت‌های همگرایانه شد. باید خاطرنشان کرد که ایدئولوژی این گروه‌ها برای دهه‌ها، توسط دولت عربستان تبلیغ و گسترش یافته است و به دلیل اشتراک در جهت‌گیری کلامی و اینکه وهابی‌ها حداقل از ابتدای قرن ۲۰ میلادی مدعی سلفی‌گرایی بوده‌اند، سلفی‌ها با وهابیت عربستان سعودی شناخته می‌شوند. پادشاهی عربستان سعودی قرائت سلفی‌گرایانه از اسلام را حمایت می‌کند و تبلیغ و دفاعش از سلفی‌گرایی منبع مشروعیت خانواده حاکم آن از میانه قرن ۱۸ میلادی بوده است. از دهه ۱۹۲۰ پادشاهان سعودی به طور مستمر از سلفی‌گرایی در مصر، سوریه، عراق، جنوب آسیا و جاهای دیگر حمایت کرده‌اند و برای انتشار کتاب‌های این جنبش کمک مالی کرده‌اند (Bowering, 2013: 484). وهابیت به عنوان جنبش اسلامی و انشعابی از مذهب حنبلی، یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که افکار نادر آنان با هیچ یک از سایر مذاهب اسلامی اعم از سنی و شیعه سازگاری ندارد (جعفری و خوشکار، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۳). امروزه برخی گروه‌های افراطی به جای جهاد علیه صلیبیون و یهود که بیشتر مورد نظر بن‌لادن و جهادگرایان اولیه بود، به جهاد علیه مسلمانان پرداخته‌اند. برای مثال، با تأسیس القاعدهٔ عراق به رهبری زرقاوی، به جای آمریکا، شیعیان تبدیل به دشمن نزدیک شدند. در نتیجه، عملیات‌های انتحاری متعددی علیه جامعه شیعه در عراق شکل گرفت. برای افراط‌گرایان فرقی نمی‌کند که در غیریت‌سازی نیروهای اشغالگر، بیگانه باشد یا مردم مسلمان شیعه یا اهل سنت مخالف رادیکالیسم، در قوه مخیله آنان، حربهٔ تکفیر با بهانه‌ای واهی، تنها ابزار کاربردی برای حذف رقیب است (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

برداشت سخت‌گیرانه و متحجرانه از اسلام و اقدامات افراطی متعاقب آن، در طی سال‌های اخیر به مسئله‌ای جهانی و تهدید امنیتی قابل توجهی تبدیل شده است. فعالیت‌های تروریستی که منتسب به این تفکرات رادیکال اسلامی هستند در بسیاری از نقاط جهان انجام شده است. از جملهٔ آنها می‌توان به حمله به دفتر نشریه فرانسوی شارلی ابدو در ژانویه ۲۰۱۵م، چندین اقدام تروریستی در پاریس (در ماه نوامبر ۲۰۱۵ با حدود ۱۳۰ کشته)، ساقط کردن هواپیمای مسافربری روس بر فراز مصر (اکتبر ۲۰۱۵)، اقدامات متعدد تروریستی در ترکیه و لبنان (سال ۲۰۱۵ و ابتدای ۲۰۱٦)، فرانسه، آلمان و بلژیک (در سال ۲۰۱٦)، حملات مکرر گروه بوکوحرام در نیجریه و چندین کشور آفریقایی اشاره کرد. در این میان، منطقه خاورمیانه که کانون اصلی شروع و گسترش این جریان بوده، قربانی اصلی گسترش افراط‌گرایی می‌باشد. علاوه بر کشته‌شدن صدها هزار نفر از مردم این منطقه، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش تهدیدات امنیتی، هزینه‌های زیاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشورهای این منطقه به بار آورده است. گروه‌های افراطی مختلف مانند القاعده و داعش خواهان براندازی دولت در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه بوده و در پی تشکیل دولت‌های اسلامی به سبک خود هستند. در راستای این هدف، اشکال مختلف بی‌ثباتی سیاسی را پدید آورده‌اند؛ از جمله جنگ داخلی در سوریه، عراق، لیبی و یمن، حملات تروریستی به مناطق مرزی کشورهای منطقه، بمب‌گذاری و عملیات انتحاری و تروریستی در مناطق مختلف از جمله در ترکیه، لبنان، تونس، عربستان، یمن و مصر، ترور شخصیت‌های سیاسی از جمله در تونس، غزه، لبنان و عراق. در واقع، امروزه برخلاف دهه‌های قبل، افراط‌گرایان اسلامی بیش از آنکه آمریکا و اسرائیل را دشمن نزدیک خود بدانند، حملات خود را متوجه مسلمانان و مردم منطقه خاورمیانه کرده‌اند.

تأثیر افراط‌گرایی اسلامی - تکفیری بر بی‌ثباتی سیاسی در منطقه خاورمیانه

در منطقه خاورمیانه دولت‌های شکننده (پاکستان، افغانستان ، عراق، سوریه، یمن) و در معرض هشدار شکنندگی (مصر و لیبی) وجود دارند (Messner et al, 2015)، که مأمن و محیط گسترش بی‌ثباتی به کشورها و مناطق دیگر هستند. همچنین، دولت‌های ضعیفی مانند تونس و لبنان نیز هستند که کنترل چندانی بر قلمرو خود ندارند. در نتیجه، خاک

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

این کشورها محلی برای آموزش، عضوگیری و محل اختفای افراط‌گرایان شده است. این کشورها همسایگان خود را نیز در معرض بی‌ثباتی سیاسی قرار داده‌اند و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه نیز به شدت در معرض خطر سرایت بی‌ثباتی هستند. افزون بر این، در تمام خاورمیانه مشکلات قومی، سیاسی و مذهبی وجود دارد که می‌تواند منشأ اختلاف و تفرقه مداوم باشد. برای مثال، از مهم‌ترین زمینه‌های قدرت‌یابی داعش در عراق می‌توان به تفرقه مذهبی و سیاسی در این کشور اشاره کرد. در واقع، بسیاری از اهل سنت عراق با تاکتیک‌های داعش و تلاش آن برای تحمیل قوانین اسلامی مخالف بودند، اما از آن به عنوان پیشتاز حمله به چیزی که آن را دولت شیعیان می‌دانستند، حمایت کردند (Katzman et al, 2014). همچنین، منازعه‌های حل‌نشدهٔ بسیاری در منطقه وجود دارد که با تداوم بحران‌های ناشی از فعالیت جریان تکفیری می‌تواند اوضاع امنیتی منطقه را وخیم‌تر کند. برای مثال، می‌توان به مسئلهٔ فلسطین و سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. جریان‌های تکفیری- تروریستی با ایجاد بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در منطقه، ایجاد دودستگی بین دولت‌های مسلمان، تغییر دشمن نزدیک از آمریکا و رژیم صهیونیستی به شیعیان و کشورهای اسلامی به تضعیف محور مقاومت و جبهه مخالف توسعه‌طلبی‌های اسرائیل پرداخته‌اند. استهلاک قوای کشورهای اسلامی می‌تواند منبع دیگر افزایش ناامنی در منطقه و زمینه‌ساز جنگ‌های آیندهٔ رژیم صهیونیستی و دولت‌های مسلمان باشد. پیشروی بیشتر اسرائیل از جمله افزایش ساخت‌وساز در سرزمین‌های اشغالی و ممانعت از تشکیل کشور مستقل فلسطین، انحراف افکار عمومی از موضوع فلسطین، از جمله کمک‌های افراط‌گرایان به اسرائیل است که در نهایت، موجب تداوم و حل نشدن معضل فلسطین و عامل تخاصم مداوم جنگ‌های احتمالی آینده است. برای مثال، در بهبوبه جنگ اسرائیل و حماس در تابستان ۲۰۱٤م، پیشروی‌های داعش و وحشت جهانی که در جریان فتح موصل پدید آورد توجهات را از کشتار زنان و کودکان فلسطینی منحرف کرد و آسودگی خیالی برای اسرائیل پدید آورد. در ادامه، چند مسئله اساسی را در ارتباط با تأثیر گسترش افراط‌گرایی بر احتمال بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی بیشتر در منطقه خاورمیانه بررسی می‌کنیم.

۱. افزایش منازعات منطقه‌ای و احتمال بروز جنگ‌های بین کشوری

با وجود مشکلات زیاد در منطقه، در حال حاضر، چهار جنگ داخلی (جنگ داخلی عراق،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

سوریه، یمن و لیبی) در آن جریان دارد که در آنها حضور افراط‌گرایان و نقش اصلی آنها بسیار برجسته است. این در حالی است که یک جنگ داخلی هر چه بیشتر ادامه یابد، احتمال سرایت آن به همسایگان بیشتر می‌شود و به سمت ایجاد خشونت بیشتر و گسترده‌تر حرکت می‌کند. دولت‌های همسایه اغلب به دلیل مداخله برای کمک به یکی از طرفین درگیری، یا پناه‌گیری معارضان در خاک آنها و تدارک و سازماندهی حملات خود از آنجا، به جنگ‌های داخلی کشیده می‌شوند. همان‌گونه که در طی جنگ داخلی لبنان، اسرائیل و سوریه بارها وارد مرزهای آن شدند و جنگ داخلی کنگو درنهایت به ۷ کشور همسایه‌اش سرایت پیدا کرد (Pollak and Walter,2015: 32). در خاورمیانه امروز، رفت‌وآمد گروه‌های معارض سوری به خاک لبنان خطر شعله‌ور شدن مجدد جنگ داخلی در این کشور را افزایش داده است. علاوه بر این، بحران سوریه، از یک سو منجر به ورود گروه تخریبی عربستان، ترکیه و قطر و از سوی دیگر، ایران، روسیه، عراق و حزب‌الله در مبارزه با تروریسم شد. در نتیجهٔ چنین ورودی، دو جبهه موازی درخصوص بحران سوریه شکل گرفت: عربستان، ترکیه و قطر به نیابت از آمریکا و غرب به کمک به تروریست‌ها برای براندازی حکومت سوریه و بشار اسد اقدام کردند. از سوی دیگر، جبهه ایران، روسیه و حزب‌الله به کمک روسیه شتافتند و توانستند از نفوذ داعش و گسترش آن جلوگیری کنند (شیرازی، ۱۳۹٤: ۹۷). در مورد کشورهای منطقه می‌توان گفت که حمایت از جبهه‌های مختلف در سوریه آنها را به شدت در مقابل هم قرار داده است.

همچنین، جنگ‌های داخلی می‌توانند اثر مسری داشته باشند، به این معنی که مشکلات ناشی از جنگ داخلی یک کشور (مانند تروریسم، آوارگان، جدایی‌طلبی، افراط‌گرا شدن مردم کشورهای همسایه، اختلالات اقتصادی و مداخله) از مرزها فراتر رفته و زمینه‌های بروز جنگ داخلی در آنجا را فراهم می‌کند. به ویژه منطقه خاورمیانه که در مقابل این مسئله آسیب‌پذیر است، زیرا مرزهایش پرمنفذ هستند، گروه‌های قومی– فرقه‌ای در نواحی مرزی زندگی می‌کنند و حکومت‌ها به طور عمده ضعیف هستند (Pollak and Walter,2015: 32). برای مثال، بروز خشونت‌ها در سوریه به همراه مسائلی در جامعه عرب (از جمله حمله دولت‌های عرب به نوری مالکی نخست‌وزیر شیعه عراق و ضعف نیروهای امنیتی عراق)، ظهور دوباره داعش در مناطق مختلف سوریه و پایگاه اصلی‌اش یعنی عراق را تسهیل کرد (Katzman et al, 2014). در اثر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

جنگ داخلی عراق، سوریه و یمن روابط قدرت‌های منطقه به شدت تیره شده و اصطکاک و تنش‌های زیادی بین آنها ایجاد شده است. از جمله روابط ایران و عربستان به بدترین حالت در چند دهه اخیر رسیده و روابط نسبتاً خوب ایران و ترکیه در اثر حمایت این کشورها از جبهه‌های مختلف در سوریه از بین رفته است. اتحادها و صف‌بندی‌های عربستان و ایران در مقابل یکدیگر زمینه‌ساز جنگ نیابتی و حتی تبدیل آن به جنگی تمام‌عیار است. در واقع، پس از تبدیل تحولات انقلابی جهان عرب به جنگ‌های داخلی، حوزه‌های رقابت و تقابل ایران و عربستان از لبنان و فلسطین به سوریه، عراق، بحرین و یمن کشیده شد. به گونه‌ای که این حوزه‌ها به میدان جنگ نیابتی این دو رقیب منطقه‌ای و ایدئولوژیک تبدیل شد (شیرازی، ۱۳۹٤: ۷۸). در این زمینه، بسیاری از تحلیلگران معتقدند جنگ در یمن که از ۲٦ مارس ۲۰۱۵م شروع شده جنگ نیابتی بین ایران و عربستان است و ائتلافی عربی به رهبری عربستان در حمله به مواضع شیعیان حوثی شکل گرفته است که ادعا می‌شود تحت حمایت ایران هستند. براساس آنچه کشورهای حوزه خلیج‌فارس می‌گویند آنها در پی دفع نفوذ ایران در کشور همسایه خود هستند، در حالی که حوثی‌ها می‌گویند با دولت فاسد متحد القاعده می‌جنگند (Reuters, 2015: 8,23). می‌توان گفت از دلایل کشیده شدن جنگ یا بی‌ثباتی شدید داخلی به جنگ بین دولت‌ها، حمله فرصت‌طلبانه دولت‌های دیگر (مانند حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۰) یا فرافکنی مشکلات دولت درگیر جنگ داخلی است که رهبران آن ممکن است برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی به سمت خارج از آن استفاده کنند. در این مورد می‌توان به جنگ مرزی خونین اتیوپی و اریتره بر سر سرزمین کم‌ارزشی در منطقه بادمه در سال ۱۹۹۸م اشاره کرد. گرچه این منطقه منافع اقتصادی و استراتژیک اندکی داشت اما دو دولت از جنگ بین‌المللی به عنوان سرپوشی بر شکست در برابر مخالفان داخلی و تضعیف نهادهای دموکراتیک تازه تأسیس استفاده کردند (Gleditsch, Salehyan and Schultz,2008:485). همچنین، حمله ترکیه به کردها در خاک عراق و سوریه و تجاوز به سرزمین کشورهای نامبرده در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦م مثال زدنی است. علاوه بر این، به بهانه مقابله با فعالیت گروه‌های تکفیری کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در قالب ائتلاف بین‌المللی ضد داعش یا ضد تروریسم مجدداً به عراق برگشته‌اند و حاکیمت سرزمینی سوریه را به کرات نقض کرده‌اند و فعالیت خود را در منطقه افزایش داده‌اند. این مسئله برای کشوری مانند ایران که همواره مخالف حضور نیروهای بیگانه در منطقه بوده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

چالش‌های امنیتی بزرگی ایجاد کرده است. در کنار آن کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس از حضور این نیروها استقبال کرده و آن را برای مبارزه با قدرت ایران در منطقه لازم می‌دانند و در پناه این تحولات، پیگیر سیاست‌های ضد ایرانی شده‌اند که در نهایت، موجب از بین رفتن زمینه‌های همکاری و افزایش تنش سیاسی و احتمال رویارویی کشورهای منطقه است. در واقع، در حال حاضر، یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت و با دامن زدن به اختلافات مذهبی در عمل با اقدامات تروریستی در مسیر منافع غربی‌ها گام برمی‌دارد (جعفری و خوشکار، ۱۳۹۳: ٤١).

باید اشاره کرد که بحران سوریه به راحتی و از طریق مذاکرهٔ سیاسی طرفین درگیری برای ایجاد صلح قابل حل نیست، زیرا مناطق زیادی از این کشور در دست گروه‌های افراطی (مانند جبهه‌النصره، احرارالشام و داعش) قرار دارد. این گروه‌ها به بحث و مذاکره سیاسی با دیگر طرف‌های درگیر جنگ اعتقادی ندارند و در صورت شرکت در مذاکرات صلح، مذاکره با آنها مستلزم اعطای امتیازاتی به آنهاست که می‌تواند برای تمام منطقه خطرناک باشد، چون موجب افزایش قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی آنها شده و سکویی برای صدور ایدئولوژی افراطی آنها می‌شود. زیرا توافقنامهٔ صلح باید تقسیم مناسب و مساوی قدرت سیاسی بین تمام گروه‌های درگیر در جنگ باشد. مطالعات علمی متعدد نشان داده که تضمین‌های سیاسی، نظامی یا تقسیم قدرت نقش اصلی را در متقاعد کردن طرفین برای امضای توافق و توقف جنگ دارد به این دلیل که انگیزه و مشوقی برای تحقق صلح پدید آورد، زیرا طرفین جنگ انگیزه کمی برای خاتمه جنگ دارند، مگر اینکه سهم واقعی در حکومت جدید داشته باشند. این بدان معنی است که ترتیبات توافقنامه تقسیم قدرت باید ناشی از خواسته‌های تمام گروه‌ها، از جمله نخبگان سازشگر باشد و حمایت شفافی از همه گروه‌ها از جمله اقلیت‌ها به عمل آورد (Pollak and Walter,2015: 34). گزینه‌ای که با توجه به شرایط فعلی و قدرت القاعده و داعش و گروه‌های تکفیری دیگر در عراق و سوریه و امکان مانور گستردهٔ آن در زمان فعلی قابل دسترس به نظر نمی‌رسد.

جنگ و شورش داخلی توانایی‌های نظامی دولت را کاهش داده یا آن را بدتر می‌کند و صرف منابع کشور در جهت دفاع در برابر دشمنان خارجی را به سمت داخل منحرف می‌کند (Davies 2002; Walt 1996). در نتیجه، موقعیت ضعیف یک کشور ممکن است زمینه‌ای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

برای حملات فرصت‌طلبانه‌ای بر ضد آن باشد که در غیر این صورت انجام نمی‌شد. در چنین مواقعی برای دولت مهاجم نتیجهٔ جنگ داخلی مهم نیست و الزاماً همسو با منافع شورشیان نیست، بلکه انگیزهٔ اصلی کسب قلمرو یا به دست آوردن منابع است (Gleditsch, Salehyan and Schultz,2008:485). برای مثال، ایران و عراق منازعه‌ای طولانی بر سر اروندرود داشتند ولی هنگامی که انقلاب و بی‌ثباتی‌های بعد از آن دولت ایران را تضعیف کرده بود، عراق به این کشور حمله کرد و موجب جنگ طولانی شد که به نوبه خود درگیری‌های بیشتری را پدید آورد. از جمله جنگ نفت‌کش‌ها، حمایت اکثر کشورهای عربی از عراق، حمله نیروهای آمریکایی به ناوهای ایرانی و ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷ش. همچنین، احتمال زیادی وجود دارد که دولت‌هایی که جنگ داخلی را تجربه می‌کنند به یک منازعه مسلحانه با دیگر دولت‌ها نیز کشیده شوند. دخالت، یا فرافکنی و آثار ناخواسته سرایت، منابع مهم کشمکش‌های بین‌المللی یا اصطکاک بین کشورها هستند. افزایش خطر درگیری بین دولتی ناشی از جنگ‌های داخلی، به طور عمده برآیند تلاش دولت‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن نتایج جنگ داخلی از طریق استراتژی‌های مداخله و فرافکنی مشکلات داخلی است (Gleditsch, Salehyan and Schultz,2008:480). در طی جنگ داخلی سوریه و عراق، ترکیه بارها به سرزمین این کشورها تجاوز کرد و تنش‌ها را به ویژه در روابط با عراق به شدت افزایش داد.

۲. تهدید تروریستی به مثابه بی‌ثباتی سیاسی

در واقع، یکی از اولین مصادیق بی‌ثباتی سیاسی، اقدامات تروریستی است (Hurwitz, 1973, Sanders,1981, Dowding and Kimber, 1983)،که شامل موارد مختلفی مانند حملهٔ مسلحانه به مراکز دولتی یا مکان‌های عمومی، بمب‌گذاری و از جمله بمب‌گذاری انتحاری، تهدید ارزش‌های اساسی یک جامعه و یا حملات کور به مردم عادی است. منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر شاهد موارد فراوان حملات تروریستی از طرف افراط‌گرایان اسلامی بوده است. البته در ابتدا این حملات بیشتر متوجه نیروهای خارجی مانند آمریکایی‌ها بود، اما موفقیت اقدامات تروریستی و تأثیر زیادی که در رسیدن به هدف داشت، موجب گسترش این‌گونه فعالیت‌ها شده است. در واقع، تأثیر روانی این فعالیت‌ها معادل و حتی شاید بیش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

از نتایج حمله مستقیم بوده است (Chaliand and Blin, 2007: 222-223). از این‌رو، در خاورمیانه ابتدای قرن ۲۱ یکی از نیروهای فراملی کاملاً مشخص، جلوه‌های تکان‌دهندهٔ تروریسم بوده که در قالب شبکه گروه‌های تندروی اسلامی فعال در مرزهای دولتی انعکاس یافته است. این قبیل گروه‌ها و اقدامات آنها هم مشروعیت شکننده بسیاری از دولت‌ها را به چالش طلبیده و هم آنها را تضعیف می‌سازد و در عین حال، آنها را در معرض مداخلات خارجی قرار می‌دهد. این اتهام که افغانستان و عراق مشوق چنین شبکه‌هایی بودند به مداخله خارجی به رهبری آمریکا به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳م انجامید (فاست،۱۳۹۱: ۲۲). امروزه با افزایش قدرت و دامنه فعالیت گروه‌های تروریستی تکفیری، همچنین وجود مناطق بحرانی فراوان در منطقه، خطر گسترش بی‌ثباتی سیاسی افزایش یافته است. برای مثال، فعالیت‌های تروریستی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳م، پنج برابر شده است که بیشترین سهم آن مربوط به خاورمیانه و کشورهایی است که تکفیری‌ها در آن فعالیت بیشتری دارند. برای مثال، در سال ۲۰۱۳م، ۸۲ درصد قربانیان فعالیت‌های تروریستی از کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه بوده‌اند که عامل اصلی آن، افراط‌گرایان تکفیری هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۱۲م، تعداد قربانیان ۵۲ درصد کمتر از سال ۲۰۱۳ است (Global Terrorism Index 2014: 25). علاوه بر این، در سال‌های ۲۰۱٤، ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦م، بر تعداد حملات تروریستی افزوده شده و دامنه آن گسترش بیشتری پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۵، تروریست‌های تکفیری برای اولین‌بار در کویت، بحرین، ترکیه، فلسطین و عربستان اقداماتی انجام دادند و فعالیت آنها در کشورهای مصر، لیبی، تونس و یمن نیز افزایش یافته و در سال ۲۰۱٦م، ترکیه چندین‌بار مورد حمله تروریستی داعش قرار گرفت. همچنین، داعش شیعیان و مراکز مقدس آنان را تهدید به نابودی کرده است. بنابراین، می‌توان گفت با تداوم روند کنونی منطقه بحران‌زده خاورمیانه در آینده با مسائل بیشتری از این دست روبه‌رو خواهد بود.

۳. افزایش قدرت گروه‌های تکفیری تروریستی

اگرچه از ۲۵ سال پیش تاکنون تلاش برای تشکیل شبه دولت‌ها ویژگی ثابت جهادگرایی معاصر بوده است، اما پس از تحولات سال ۲۰۱۱م خاورمیانه، چنین تلاش‌هایی چند برابر شده و نسبت به گذشته در حوزه‌های بیشتری موفق بوده است. در واقع، در این مدت شورشیان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

جهادی به کرات تشکیل «دولت‌های اسلامی» یا امارت‌های اسلامی در مناطق بسیاری از جهان اسلام را اعلام کرده‌اند؛ از جمله افغانستان، پاکستان، قفقاز، یمن، سومالی، عراق، سوریه، غزه، شبه‌جزیره سینا، قاهره، لیبی و شمال مالی. تعداد بسیار کمی از شبه دولت‌ها توانسته‌اند بیش از چند سال دوام داشته باشند و هیچ‌کدام واقعاً کنترل سرزمینی به معنای واقعی نداشته‌اند (Lia, 2015: 32). اما دولت اسلامی عراق و شام (داعش) توانسته در سایه بی‌ثباتی سیاسی در عراق و سوریه، بسیاری از مناطق این کشورها را تصرف کرده و دولت و خلافت خودخوانده تشکیل دهد. از سال ۲۰۱۳م، جنگجویان داعش از سوریه هم به عنوان پایگاهی برای حمله به عراق و هم عرصه عملیات موازی استفاده کرده‌اند. با تسلط داعش بر استان دیر الزور (از اواخر سال ۲۰۱۳) در شرق سوریه که سرشار از منابع نفت و گاز است (داعش درآمدهایی از فروش نفت داشته است)، این گروه قادر است استقلال عملیاتی خود از رهبری القاعده را حفظ کند و با حقوق بیشتری که به جنگجویان خود می‌دهد نیروهای بیشتری جذب آن می‌شوند. همچنین، با وضع مالیات بر جمعیت محلی و درخواست درصدی از بودجه سازمان‌های بشردوستانه و عملیات تجاری در نواحی تحت کنترل خود درآمدهای بیشتری کسب کند. همچنین، داعش با تصرف موصل حدود نیم میلیارد دلار پول نقد از بانک‌های این شهر به دست آورد. حملات به شمال و مرکز عراق، توسط شورشیان اسلام‌گرای سنی و گروه تروریستی داعش نگرانی‌هایی در مورد احتمال گسست نظم سیاسی و تمامیت ارضی عراق و تأسیس مرکز بالقوه حملات در منطقه خاورمیانه است (Katzman et al, 2014). در واقع، داشتن سرزمین و فضای مناسب فعالیت و رشد گروه‌های تروریستی در کشورهای درگیر جنگ و فاقد دولت مقتدر مساوی بوده است با افزایش قدرت، امکانات، سازماندهی و درآمد گروه‌های افراط‌گرای اسلامی که برآیند آن تهدید بزرگ و واقعی ثبات سیاسی در تمام منطقه خاورمیانه است. همچنین، در اختیار داشتن سرزمین برای گروه‌های تروریستی افراط‌گرا، به منزله داشتن مکان‌هایی برای انجام آزمایش بر روی سلاح‌های کشتار جمعی است، به خصوص که این گروه‌ها تلاش زیادی در دستیابی به این تسلیحات داشته‌اند. بنا به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، در مناطق دورافتاده اروپای شرقی با همکاری مقامات این کشورها و FBI آمریکا در طی ۵ سال گذشته چهار مورد تلاش قاچاقچیان برای فروش مواد رادیواکتیو به گروه‌های افراط‌گرای خاورمیانه ناکام گذاشته شده است. براساس این گزارش،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

آخرین مورد مربوط به فوریه ۲۰۱۵م بوده که یک قاچاقچی پیشنهاد فروش مقدار عظیمی ماده شیمیایی سزیم – که برای آلوده کردن چندین منطقه شهری کافی است – را به خریداری از طرف داعش داده است (Associated Press, 2015/10/07).چون این گروه‌ها تمایل شدیدی برای داشتن این سلاح‌ها داشته‌اند و عموماً به راحتی دیگران را تکفیر می‌کنند و در این راه تفکیکی بین زن و مرد و کودک و بزرگسال قائل نیستند. دستیابی به این تسلیحات می‌تواند خطرات انسانی بزرگی برای تمام کشورها و، به ویژه، کشورهای خاورمیانه داشته باشند. برای مثال، براساس گزارش‌ها، داعش در چندین مورد از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است (دویچه وله فارسی، ۲۰۱۵/۷/۸).

۴. تجزیه‌طلبی و از بین رفتن تمامیت ارضی

تثبیت قدرت داعش در عراق می‌تواند در عمل منجر به تقسیم عراق به سه کشور (کشور کردها، شیعیان و اهل سنت) شود. طرح سه منطقه‌ای شدن عراق قبلاً توسط جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا (در زمان اوباما) در سال ۲۰۰۶م، زمانی که عضو ارشد کمیته روابط خارجی سنا بود، بیان شده بود. البته در آن زمان وی خواستار اعطای خودمختاری گسترده به گروه‌های قومی مذهبی کردها، سنی‌های عرب و شیعیان عرب در مناطق خودشان تحت حکومت مرکزی بغداد بود و حکومت مرکزی باید به دفاع از مرزها، سیاست خارجی و مدیریت درآمدهای نفتی می‌پرداخت (nytimes, 2006/5/1). این طرح در سال ۲۰۱۵ نیز توسط دیگر مقامات آمریکا تکرار شد. تقسیم عراق یا مرکزیت‌زدایی آن، برای مثال موجب می‌شود دولت مستقل یا دارای استقلال زیاد کردها الگو و پشتیبان فرایند استقلال‌یابی یا خودمختاری کردهای ترکیه، ایران و سوریه باشد که تمامیت ارضی این کشورها را تهدید می‌کند که مصداق بارز و روشن بی‌ثباتی سیاسی است. در واقع، تجزیه عراق یا مرکزیت‌زدایی از آن می‌تواند شروعی برای تجزیه کشورهای فوق‌الذکر باشد. خطر تجزیه کشورهای خاورمیانه و تشکیل کشورهای جدید می‌تواند جنگ‌های بیشتری را در آینده پدید آورد. جوامع عراق، لبنان، ترکیه، یمن، سوریه و بحرین در خطر فرایندهای بی‌سابقه تکه‌تکه شدن قرار گرفته‌اند که ناشی از خشونت‌ها و سیاست‌های فرقه‌ای است. این کشورها با خطر تجزیه یا درگیری طولانی در جنگ مسلحانه مواجهند که با مداخله خارجی و تسلط گروه‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

رادیکال تداوم می‌یابد. همین مسئله امنیت و ثبات سیاسی دیگر کشورهای خاورمیانه را نیز تهدید خواهد کرد.

۵. افزایش جنگ‌های قومی- مذهبی و فرقه‌گرایی

فرقه‌گرایی فاقد ویژگی‌هایی است که آن را به نیروی سازنده یا ثبات‌ساز تبدیل کند. این پدیده بر مبنای روایت‌های جنگ‌گرایی قرار دارد که از تنفر و قربانی کردن متقابل تغذیه می‌کند. در حالی که برخی از نیروهای تندرو مانند دولت اسلامی در عراق و شام، که به دنبال استقرار دولت سنی بر تمام منطقه است، بیشتر از دیگر نیروها همبستگی فرقه‌ای خود را برای اهداف عملی و حساب شده به کار گرفته‌اند (Al-Qarawee, 2013:9). افراط‌گرایی نتیجه‌ای جز جواب افراطی نخواهد داشت. از این‌رو، ممکن است جنگ فرقه‌ای تمام خاورمیانه را به آشوب بکشاند. برای مثال، پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م، عراق شاهد ورود جنگجویانی از کشورهای دیگر بود که براساس انگیزه‌های مذهبی آمده بودند (کاملاً شبیه به ورود جنگجویان به افغانستان در پاسخ به تهاجم شوروی) و ادعا می‌کردند که برای دفاع از اقلیت سنی می‌جنگند. سنی‌هایی که در زمان حکومت صدام موقعیت برتر را نسبت به همتایان شیعه در دست داشتند و احتمال می‌رفت که این موقعیت را از دست بدهند. این جنگجویان، در کنار سنی‌های افراطی عراق، ستون فقرات القاعده بین‌النهرین را شکل دادند و باعث به وجود آمدن مجموعه‌ای از اعدام‌های وحشتناک و بمب‌گذاری انتحاری بر ضد اکثریت شیعه شدند که موجب قربانی شدن غیرنظامیان زیادی شد. در حالی که برخی از رهبران شیعه بر خویشتنداری در برابر چنین حملاتی نظر دادند، شیعیان آشکارا تمایل فزاینده خود برای حمایت از خود و انتقام را بیان کردند. زمانی که القاعده بین‌النهرین مسجد طلایی ، یکی از مقدس‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان را منفجر کرد اقدام تلافی‌جویانه شبه‌نظامیان شیعه قابل انتظار بود. در ماه‌های بعد، کشور عراق گرفتار چرخه معیوبی از جنگ داخلی، با موجی از کشتار کور و بی‌هدف شد (Ishiyama, Breuning, 2011: 121). همچنین، در سال ۲۰۱۵م، کردها و ایزدی‌های شمال عراق با تصور کمک اعراب محلی شمال عراق به داعش، پس از بازپس‌گیری این مناطق از داعش به انتقام از اعراب پرداخته و از بازگشت آنها به شهرها و روستاهایی که قبلاً به طور مشترک متعلق به کردها و اعراب بود، جلوگیری کردند. براساس

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

گزارش سازمان عفو بین‌الملل در ژانویه ۲۰۱٦م، نیروهای پیشمرگه کرد دولت منطقه‌ای کردستان و شبه نظامیان کرد در شمال عراق با بولدوزر، انفجار و سوزاندن هزاران خانه تلاش آشکاری برای ریشه‌کن کردن جوامع عرب به تلافی حمایت اعراب از داعش (به زعم کردها) داشته‌اند. بر مبنای این گزارش نیروهای پیشمرگه همچنین از بازگشت ساکنان عرب که در زمان حکومت داعش از خانه‌های خود گریخته بودند جلوگیری کرده‌اند. این گزارش شواهدی از آواره کردن اجباری و تخریب خانه‌ها در روستاها و شهرها در مقیاس بزرگ در شهرهای نینوا، کرکوک و دیالی را نشان می‌دهد –که نیروهای پیشمرگه کرد بین سپتامبر ۲۰۱٤ تا مارس ۲۰۱۵م مجدداً از داعش بازپس گرفته‌اند (Amnesty International, 2016).

باید یادآور شد که بحث اصلی در گفتمان افراط‌گرایی عربی، این عقیده ثابت است که شیعیان مسلمان واقعی نیستند و به دنبال حذف اهل سنتی هستند که در دیدگاه سلفی‌ها تنها مسلمانان واقعی هستند (Abdo, 2015: 6). همین مسئله موجب شده که دستیابی سلفی– جهادی‌ها به قدرت موجب افزایش فرقه‌گرایی و خطر بروز جنگ تمام‌عیار مذهبی در خاورمیانه شود. در واقع، تا سال ۲۰۱۰م که خیزش‌های عربی شروع شد، هویت دینی، در حالی که مهم بود، به نظر نمی‌رسید دلیل اصلی قطب‌بندی جدید در دنیای عرب باشد. در مقابل، مسئلهٔ بسیج‌گر اصلی خلع دیکتاتورها از قدرت بود. اما تا سال ۲۰۱۲، خیزش‌ها شکل فرقه‌گرایی به خود گرفت. امروز، تقریباً در همه کشورهای عربی، حتی در مصر که شیعیان کمتر از یک درصد جمعیت را دارند، تفاوت مذهبی در مرکز صحنه است (Abdo, 2015: 17). از جمله گروه‌های تکفیری در منطقه خاورمیانه می‌توان به گروه‌های النصره، داعش و القاعده در سوریه و عراق اشاره کرد. این گروه‌ها علاوه بر ایجاد بحران در سوریه و عراق، در پی دو قطبی کردن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند. سلفی– جهادی‌ها بیش از همه از دو متفکر و ایدئولوگ تأثیر پذیرفته‌اند: محمد ابن عبدالوهاب در شبه جزیره عربستان در قرن هجدهم و سیدقطب در مصر قرن ۲۰ میلادی (Alterman,2014: 13). سیدقطب نخستین پرچم‌دار سلفیه انقلابی و کسی بود که سلفیه جدید را جانشین سلفیه قدیم کرد. سیدقطب نظریه‌پردازی بود که بحث به‌کارگیری خشونت را در سلفیه مدرن پایه‌گذاری کرد (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

فراتر از فرقه‌گرایی و افزایش منازعات مذهبی در اسلام، این مسئله ممکن است در قرن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

۲۱ به اسلام‌هراسی دامن زده و حتی حالت جنگ مذهبی به خود بگیرد. برای مثال، پس از اقدامات تروریستی داعش در فرانسه حمله‌هایی به مساجد، مراکز اسلامی و مسلمانان در سراسر اروپا صورت گرفت. علاوه بر این، بسیاری از تندروها در غرب از اقدامات تروریستی افراط‌گرایان برای تحت فشار قرار دادن مسلمانان و تفکیک مردم براساس مذهب استفاده می‌کنند. برای مثال، دونالد ترامپ در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواهان اعمال محدودیت‌های شدید برای مسلمانان این کشور و مسلمانان جهان شد. وی در یکی از نشست‌های انتخاباتی خواستار ممنوعیت ورود مسلمانان به خاک آمریکا شد (Guard-ian, 2015/12/7). اسلام‌هراسی نشان‌دهندهٔ وجود ترسی واهی در مخیله سیاستمداران و انسان‌های عادی است. مبنی بر اینکه اسلام و مسلمانان برای فرهنگ و تمدن و مردم غرب، منشأ خطر و تهدید محسوب می‌شوند. این ترس نامعقول به مسلمان‌ستیزی و ناشکیبایی در برابر آنان در جوامع غربی دامن زده است. این پدیده به بازنمایی منفی از اسلام و مسلمانان از طریق کدگذاری آنان با مفاهیم کلی خشونت و ترور و بنیادگرایی و غیرمتمدن بودن و غیرمدنی زیستن و همه عناصری می‌پردازد که به نوعی ضد هنجار انسانی و به طور خاص ضد هنجارهای غربی محسوب می‌شوند. تکثیر این روش تفکر مبنی بر پیش‌داوری‌های سیاسی و مذهبی و منزوی کردن افراد در جوامع غربی است که آنان را مستعد افراط‌گرایی می‌کند (کریمی‌مله و گرشاسبی، ۱۳۹٤: ۱٦۳)

گسترش شکاف میان شیعیان و اهل سنت به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه تبدیل شده و به نظر می‌رسد پایانی برای آن قابل تصور نیست. بازیگران سلفی‌ها ثابت کرده‌اند که پرچمداران اصلی گفتمان ضدیت با شیعیان هستند. جریان سلفی زبردستی خود برای بهره‌برداری از فرصت‌ها در جهت پیشبرد مواضع خود در خلال مناقشه‌های آشکار و اعتراضات گروه‌های فرعی دینی که توسط خیزش عربی برافروخته شده را نشان داده است. پیروزی‌های سلفی‌ها چالشی برای نهادهای قدرت در منطقه است (Abdo, 2015: 5). پس از اقدامات وحشیانه داعش در عراق و سوریه، بنا بر گزارش رویترز بازرسان حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارشی نوشته‌اند به نظر می‌رسد که خاورمیانه در آستانه جنگ فرقه‌ایی گسترده‌ای قرار دارد. به اعتقاد نویسندگان گزارش، جنگ منطقه‌ای در خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری نزدیک شده است. افزایش تعداد پیکارجویان رادیکال نه تنها جوامع سنی تحت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

کنترل آنها را هدف می‌گیرد بلکه جوامع اقلیت مانند شیعیان، علوی‌ها، مسیحیان، ارمنی‌ها، دروزی‌ها و کردهای عراق و سوریه نیز در امان نیستند (reuters, 2014/06/17). تسلط داعش بر بخش‌های سنی‌نشین عراق بیشترین تهدیدات منطقه‌ای را برای ایران ایجاد می‌کند. زیرا داعش در مقایسه با القاعده رویکرد بسیار رادیکال‌تری در قبال شیعیان و حکومت ایران دارد، به گونه‌ای که ابوبکر بغدادی رهبر داعش از ایمن الظواهری رهبر القاعده به خاطر عدم انجام اقدام قاطعانه در برابر ایران انتقاد کرده است. تسلط گروه افراط‌گرا و تروریستی داعش بر مناطق سنی‌نشین عراق باعث گسترش فعالیت‌های این گروه در قبال اهداف و مراکز شیعی می‌شود و این موضوع برای ایران به عنوان پرچمدار شیعه در جهان خطری مذهبی و حیثیتی محسوب می‌شود (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۸).

۶. افزایش شمار آوارگان و خطرات ناشی از آن

یکی از مشکلات ناشی از افراط‌گرایی و خشونت‌های ناشی از آن، افزایش شمار مهاجران و پناهندگان به کشورهای همسایه کشورهای درگیر جنگ بوده است. این مسئله می‌تواند باعث ناامنی و بروز مشکلات بزرگ دیگری شود. براساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (سال ۲۰۱۵م)، سه میلیون نفر عراقی در نتیجه جنگ داخلی آواره شده‌اند که بالاترین و سریع‌ترین نرخ آواره شدن مردم در جهان در سال ۲۰۱۵م است (ICRC, 2015/12/29). همچنین، براساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ژانویه ۲۰۱۶م، تعداد پناهندگان ثبت شده سوری تا ۱۹ ژانویه ۲۰۱۶، برابر با ٤.٦٠٣.٣٦٣ نفر بوده است. سه کشور که بیشترین آوارهٔ سوری را در خود جا داده‌اند به ترتیب عبارتند از: ترکیه، لبنان و اردن (UNHCR.ORG, 2016/1/19). این در حالی است که یکی از عوامل اصلی که یک کشور را در معرض جنگ داخلی قرار می‌دهد، جنگ داخلی در کشور همسایه است. محققان معتقدند دلایل چندی برای این مسئله وجود دارد، اما محتمل‌ترین آن، که می‌تواند اثر بی‌ثبات کننده داشته باشد تعداد زیاد آوارگان است. در مطالعه کشورها بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۱م، آیدین صالحیان و کریستیان گلدیش دریافتند که پذیرفتن آوارگان دولت‌های همسایه به طور قابل ملاحظه‌ای خطر جنگ مسلحانه را افزایش داده است (Salehyan,Gleditsch,2014). بنابراین، لبنان، ترکیه و اردن امروز در خطر هستند. این محققان دریافته‌اند که آوارگان سوری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

در لبنان خطر جنگ داخلی در لبنان را ۵۳/۸۸ درصد و حضور آوارگان در اردن، خطر جنگ را ۵۳/۵۱ درصد افزایش داده است (Pollak and Walter,2015: 42). افزون بر این، ورود تعداد زیادی مهاجر به اروپا بحران بزرگی برای این اتحادیه و یکپارچگی آن پدید آورده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای این ناحیه، مانند آلمان با رشد منفی جمعیت مواجهند و ورود آوارگان به خاک خود را فرصتی برای تداوم رشد اقتصادی خود می‌دانند. اما کشورهای منطقه خاورمیانه عموماً با مشکل بیکاری مواجهند و آوارگانی که به این کشورها وارد می‌شوند مشکلات این کشورها را دو چندان می‌کنند. برای مثال، براساس گزارش سال ۲۰۱٤م سازمان بین‌المللی کار، نرخ بیکاری جوانان در خاورمیانه ۲٦.۸ درصد بوده است (ILO,2014:90).

۷. ایجاد زمینه‌های تداوم افراط‌گرایی در منطقه

مسئلهٔ بزرگ دیگر، مشکلات بزرگی است که برای انسان‌های رنج‌دیده از جنگ پیش می‌آید. بر اساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در نتیجه درگیری‌های خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از ۱۳ میلیون کودک از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. در همین گزارش آمده است که ۸۸۵۰ مدرسه در سوریه، عراق، یمن و لیبی به دلیل آسیب، تخریب یا استفاده شدن به عنوان پناهگاه یا تصرف توسط گروه‌های نظامی قابل استفاده نیستند. بیشترین تعداد محرومان از تحصیل ناشی از حضور و فعالیت گروه‌های تندروی تکفیری بوده است به گونه‌ای که از ۱۳.۷ میلیون کودک محروم از آموزش منطقه، ۲.۷ میلیون سوری، ۳ میلیون عراقی، ۲ میلیون لیبیایی و ۲.۹ میلیون نفر یمنی هستند (UNICEF, 2015). در نتیجه، تحقق اهداف توسعه انسانی و توسعه کم‌رنگ‌تر می‌شود و فرصت‌های آینده زندگی کودکان از بین می‌رود. وجود فقر، بیکاری و بی‌سوادی زمینه‌های مناسبی برای تبلیغات افراط‌گرایان تکفیری و پیوستن جوانان به این گروه ها پدید می‌آورد.

در پایان می‌توان گفت ریشه‌کنی گروه‌های افراط‌گرا در گرو ایجاد ثبات و توسعه در کشورهای خاورمیانه است. در مقابل، اگر بی‌ثباتی ادامه یابد و دولت‌های شکننده نتوانند به دولت کامل تبدیل شوند یا دولت‌ها در معرض فروپاشی قرار داشته باشند، نه تنها این گروه‌ها از بین نمی‌روند بلکه گسترش بیشتری پیدا می‌کنند. برای مثال، در حالی که افغانستان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

سرچشمه اصلی و اولیه رشد بنیادگرای اسلامی پیکارجو بوده است، اما اگر فرض کنیم که افغانستان به صلح و ثبات دست یابد، پناهگاه امن و محل آموزش افراط‌گرایان به کشورهایی مانند لیبی، سوریه، عراق، یمن و تونس منتقل می‌شود. در نتیجه، می‌توان گفت خیزش‌های مردمی اعراب با تضیف دولت‌های حاکم یا ساقط کردن آنها بدون ایجاد دولت‌های جدید و باثبات نه تنها تأثیر مثبتی نداشته بلکه موجب بروز خشونت‌های بی‌سابقه شده است که منطقه را تهدید کرده و دامنه آن به کل جهان نیز سرایت کرده است. در مقابل، افزایش قابل توجه قدرت افراط‌گرایان و جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اند موجب تعویق فرایند دموکراسی‌خواهی شده و مردم ساکن کشورهایی که حاکمان غیر مردمی بر آنها حکومت می‌کنند از ترس تضعیف حکومت و قدرت‌یابی افراط‌گرایان مذهبی مطالبات دموکراسی خواهانه خود را تعلیق کرده‌اند. این در حالی است که وجود استبداد و ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی دولت‌های منطقه یکی از عوامل اصلی اقبال گسترده نسبت به اسلام‌گرایان تندروی تکفیری بوده است. تداوم حکومت‌های غیرمردمی، ناکارآمد و فاسد با تداوم عقب‌ماندگی و فقر اقتصادی و در نتیجه، زمینه مناسب گسترش افراط‌گرایی و جنگ‌های بیشتر در آینده مساوی است. در همین زمینه و در مورد دلایل گسترش بنیادگرایی اسلامی انوشیروان احتشامی معتقد است: بنیادگرایی اسلامی به عنوان یک عکس‌العمل و پاسخ به بحران مواجهه دولت‌ـ ملت در خاورمیانه مطرح می‌شود. این بحران شامل محرومیت اجتماعی، فقر مداوم، فساد، فامیل بازی، وابستگی به غرب از لحاظ امنیتی و دفاعی و اقتصادی، فقدان مشروعیت سیاسی و تنزل حاکمیت قانون است. همچنین، این بحران به وسیله بی‌ثباتی سیاسی عمومی نظام‌های سیاسی غیرپاسخگو و نامطمئن حفظ قدرت سیاسی در کشورهای اسلامی تشدید می‌گردد (احتشامی، ۱۳۸۱: ۲٤۸). با وجود این مسائل آینده منطقه خاورمیانه کماکان تیره و تار و مبهم خواهد بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

بحث و نتیجه‌گیری

وجود مشکلات فراوان در خاورمیانه و عوامل مختلف که می‌توان مهم‌ترین زمینه آن را جنگ افغاستان دانست، موجب شد سلفی‌گرایی سنی جنبه نظامی و خشونت‌آمیز به خود بگیرد. مسائل دیگر نظیر حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳م، وقوع خیزش‌ها در کشورهای عرب و رقابت‌های منطقه‌ای موجب شعله‌ور شدن آتش افراط‌گرایی و قدرت‌یابی بی‌سابقه گروه‌های تندرو شد. امری که نه تنها امنیت و ثبات سیاسی کشورهایی مانند عراق، لبنان، سوریه، لیبی، یمن و تونس را از بین برده بلکه تهدیدهای جدی را علیه کشورهای حامی افراط‌گرایان مانند عربستان پدید آورده است. این مسئله ثبات سیاسی سایر کشورهای منطقه را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و احتمال درگیری بین کشورها را افزایش داده است. افزون بر این، تفرقه‌انگیزی این گروه‌ها موجب بروز منازعه میان شیعیان و اهل سنت شده و القاکنندهٔ جنگ سنی و شیعه است. یکی از آثار این مسئله از بین رفتن وحدت مسلمانان و افزایش تنش بین کشورهای اصلی شیعه (ایران) و سنی (عربستان) بوده است. بی‌ثباتی سیاسی و تداوم منازعه در منطقه، مخارج نظامی و رقابت‌های تسلیحاتی را تشدید کرده است. همچنین افزایش مجدد حضور نیروهای آمریکایی در عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه به بهانهٔ مبارزه با اسلام‌گرایان تکفیری موجب افزایش هزینه‌های امنیتی کشوری مانند ایران خواهد شد. با افزایش خطر تجزیه سوریه و عراق احتمال بروز حوادث بیشتری از این دست در سایر کشورها بالا رفته است و به طور مستقیم کشورهای ایران، ترکیه، عربستان، بحرین، لبنان و یمن در معرض بی‌ثباتی‌های سیاسی مختلفی مانند جدایی سرزمینی و تروریسم و حتی جنگ داخلی یا خارجی هستند. همه این مسائل، فرصت تحقق توسعه و بهبود فضای آرامش، صلح و همکاری در منطقه خاورمیانه را از بین برده و آینده آن را همچنان مبهم می‌کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

منابع

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (بهار ۱۳۹٤). "میزان‌سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال پنجم. شماره اول. صص ۱۰۲-۷۷.

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). *خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

احتشامی، انوشیروان (تابستان ۱۳۸۱). "بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی". ترجمه محسن اسلامی. مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع). شماره ۱۸. صص ۲٦۰-۲٤٥.

جعفری، حسن؛ بهرامی خوشکار، محمد (پاییز ۱۳۹۳). "جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال چهارم. شماره سوم. صص ٦۰-۲۷.

فاست، لوییس (۱۳۹۱). *روابط بین‌المللی خاورمیانه*. ترجمه احمد سلطانی. تهران: وزارت امور خارجه.

میلتون ادواردز، بیورلی (۱۳۸۲). *سیاست و حکومت در خاورمیانه*. ترجمه رسول افضلی. تهران: نشر علم و ادب.

فیرحی، داوود (۱۳۹۲). سلفی‌گری در گفت‌وگو با دکتر داوود فیرحی. سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح (۱۳۹۲/٤/۲۰). قابل قابل دسترس در: http://www.islahweb.org/content/۸۷۷۷/۷/۲۰۱۳. تاریخ دسترسی (۱۳۹٥/٦/۲۰).

کریمی‌مله، علی؛ گرشاسبی، رضا (بهار ۱۳۹٤). "بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال پنجم. شماره اول. صص ۱۷۹-۱٥٥.

نبوی، سیدعبدالامیر؛ نجات، سیدعلی (زمستان ۱۳۹۳). "جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی سوریه براساس تحلیل گفتمان". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال چهارم. شماره چهارم. صص ۱٦۲-۱۲۹.

نظری، علی‌اشرف؛ قنبری، لقمان (زمستان ۱۳۹۳). "شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه". *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال چهارم. شماره چهارم. صص ۱۸٤-۱٦۳.

دویچه‌وله فارسی (۲۰۱٥/۷/۲۰۱٥). داعش از سلاح شیمیایی علیه کردها استفاده کرده است. قابل دسترس در: http://www.dw.com/fa-ir تاریخ دسترسی (۱۳۹٤/٦/۲٥)

Abdo, Geneive (2015). *Salafists and Sectarianism: Twitter and Communal Conflict in the Middle East*. Center for Middle East Policy at Brookings, accessed at: http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/salafism-sectarianism-social-media. Accessed at: (2015/8/25).

Ake, Claude (1974). "Modernization and Political Instability". *World Politics*. V. 26. N. 4. Pp. 576-591.

Al Raffie, Dina (winter 2013). "Social Identity Theory for Investigating Islamic Extremism

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

in the Diaspora" *Journal of Strategic Security*. Vol. 6. No. 4. Pp. 67-91.

Al-Qarawee; Harith Hasan (2013). "Heightened Sectarianism In the Middle east: Causes, Dynamic and Consequences". *Analysis*. No. 205. Pp. 1-10.

Alterman, Jon. B. (2014). *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*. Washington: Center for Strategic and International Studies, Rowman and Littlefield.

Amnesty International (2016). *Banished and Dispossessed forced Displacement and Deliberate Destruction in Northern Iraq*. London Amnesty International Ltd. available in: http://www.amnestyusa.org/research/reports/banished-and-dispossessed-forced-displacement-and-deliberate-destruction-in-northern-iraq. Accessed at: (2016/1/23).

Associated Press. 2015/10/07: "AP Investigation: Nuclear Black Market Seeks IS Extremists". available in: http://bigstory.ap.org/article/6fd1d202f40c4bb4939bd99c3f80ac2b/ap-investigation-nuclear-smugglers-sought-terrorist-buyers, Accessed at: (2015/10/8).

Bowering, Gerhard (2013). *The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought. Princeton and Oxfordshire*. Princeton and Oxford.

Brian R. Farmer (2006). *Understanding Radical Islam: Medieval Ideology in the Twenty-first Century*. Peter Lang International Academic Publishers.

Britannica (2015). *Middle East*. available in: http://www.britannica.com/place/Middle-East. Accessed at: (2015/10/8).

Chaliand, Gérard; Arnaud Blin (2007). *The History of Terrorism from Antiquity to Al Qaeda, Translated by Edward Schneider*. Kathryn Pulver, Jesse Browner, California, University of California Press. Ltd.

Emerson O. Michael; David Hartman (2006). "The Rise of Religious Fundamentalism". *Annual Review of Sociology*. August. Vol. 32. Pp. 127-144.

Gleditsch, Skrede Kristian; Idean Salehyan; Kenneth Schultz (2008). "Fighting at Home, Fighting Abroad: How Civil Wars Lead to International Disputes". *Journal of Conflict Resolution 52*. No. 4. April. Pp. 479-506.

Global Terrorism Index (2014). *Measuring and Understanding the Impact of Terrorism*. Institute for Economics and Peace. available in: www.economicsandpeace.org. Accessed at: (2015/9/18).

Guardian (2015/12/7). Donald Trump: ban all Muslims entering US, available in: http://

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

www.theguardian.com/us-news/2015/dec/07/donald-trump-ban-all-muslims-entering-us-san-bernardino-shooting. Accessed at: (2016/1/20).

Hurwitz, Leon (1973). "Contemporary Approaches to Political Stability". *Comparative Politics*. Vol. 5. No. 3.

ILO (2014). *Global Employment Trends 2014: Risk of a jobless recovery*? Geneva, International Labor Office.

Independent (2015/11/18). Paris attack victims: All 129 people killed in terrorist attacks identified by French government. Available in: http://www.independent.co.uk/news/world/europe/paris-attack-victims-list-french-government-identifies-all-129-people-killed-in-paris-terrorist-a6739116.html. Accessed at: (2016/1/23).

International Committee of the Red Cross (ICRC). 2015/12/29. "Iraq: Highest number of displaced in 2015". available in: https://www.icrc.org/en/document/iraq-highest-number-displaced-2015.Accessed at: (2016/1/19).

Ishiyama, John T. Marijke Breuning (2011). *21st Century Political Science*. California: SAGE Publications.

Katzman, Kenneth. et al (2014). *Iraq Crisis and U.S. Policy Washington*. Congressional Research Service, available in: www.crs.gov. Accessed at: (2015/9/30).

Kurian, George Thomas (2011). *The encyclopedia of political science*. Vol. 1-5. Washington: CQ press.

Lia, Brynjar (2015). "Understanding Jihadi Proto-States". *Perspectives on Terrorism*. Vol. 9. Issue 4. August. Pp. 31-41.

Loza, Wagdy (2007). "The psychology of extremism and terrorism: A Middle-Eastern perspective". *Aggression and Violent Behavior*. Vol. 12. Issue 2. March–April. Pp. 141-155.

Lustic, Ian (1979). "Stability in Deeply Divided Societies". *World Politics*. Vol. 31. No. 3.

Messner, J. J. et al (2015). *Fragile States Index 2015*. Washington: The Fund for Peace. available in: www.fundforpeace.org. Accessed at: (2015/9/30).

Nytimes (2006/5/1)."Unity through Autonomy in Iraq", By BIDEN, JOSEPH R. LESLIE H. GELB. page A19. available in: http://www.nytimes.com/2006/05/01/opinion/01biden.html?pagewanted=all.Accessed at: (2016/1/23).

Pollack. Kenneth M. Barbara F. Walter (2015). "Escaping the Civil War Trap in the Middle

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

East". *The Washington Quarterly*. Vol. 38. Issue 2. Summer. Pp. 29-46.

Rabasa, Angel M. et al (2004). *The Muslim world after 9/11*. Santa Monica. RAND Corporation.

Reuters (2014/06/17). U.N. investigators warn of wider sectarian war across Iraq, Syria, available in: http://www.reuters.com/article/2014/06/17/us-syria-crisis-warcrimes-idUSKBN0ES10S20140617. Accessed at: (2015/9/21)

Reuters (2015,8,23). Al Qaeda deploy in Yemen's Aden, British hostage freed, available in: http://www.reuters.com/article/2015/08/23/us-yemen-security-idUSKCN0QS07820150823. Accessed at: (2015/9/25)

Scruton, Roger (2007). *Dictionary of Political Thought*. Third edition. Hampshire. The Palgrave Macmillan.

Seddon David (2004). *A Political and Economic Dictionary of the Middle East*. London and New York: Europa Publication Taylor and Francis Group.

Sedgwick, Mark (2015). "Jihadism, Narrow and Wide: The Dangers of Loose Use of an Important Term". *Perspectives on Terrorism*. Vol. 9. Issue 2. Pp. 34-41.

UNHCR.ORG (2016/1/19). "Syrian Regional Response", available in: http://data.unhcr.org/syrianrefugees/regional.php. Accessed at: (2016/1/24).

UNICEF (2015). *Education under Fire*. How conflict in the Middle East Is depriving children of their schooling. available in: www.unicef.org/mena/Education-Under-Fire-English.pdf. Accessed at: (201510/1).

Wictorowitcz, Quintan (2006). "Anatomy of the Salafi Movement". *Studies in Conflict and Terrorism*. Vol. 29. Issue 3. Pp. 207–239.

.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۵

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵)، «سلفی‌گرایی جهادی- تکفیری و آیندهٔ ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش۱، بهار ۹۵، صص ۱۱۳-۱٤۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]